

نگاه دکتر شریعتی به قرآن

اولین ارتباط قرآنی این قلم با شادروان شریعتی موقعی بود که دکتر سالن زیرزمین حسینیه ارشاد را با هماهنگی مسئولین آن به فعالیت‌های فرهنگی جوانان در زمینه‌های: ادبیات، تاتر، بانوان، کودکان، قرآن و... اختصاص داده بود. نسل گذشته به‌خاطر دارند که پیش از تأسیس حسینیه ارشاد، بنای مجل «کاخ جوانان» توسط رژیم سابق در روز تولد شاه، ۴ آبان سال ۱۳۴۵ درست مقابل محل فعلی ارشاد ساخته شده بود. این کاخ اولین نمونه‌ای بود که بعدها چندین مرکز مشابه آن در تهران و تقریباً در تمام مراکز استان‌های کشور ساخته شد. دکتر شریعتی با برنامه‌های فرهنگی خود می‌خواست راه حلی دیگر برای سیاست پُر کردن وقت آزاد جوانان عرضه نماید.

او برای هر یک از فعالیت‌ها مسئولی معین کرده بود و از بنده نیز خواسته بود در بخش تحقیقات قرآنی ادای وظیفه کند. روزی که نخستین کار و اژه شناسی قرآنی را تحت عنوان «صبر در قرآن» در یک زیر مجموعه ۱۹ گانه به دکتر عرضه کردم، آن را برای بررسی به پدر عالیقدرش استاد محمد تقی شریعتی صاحب «تفسیر نوین» ارائه کرد و با تصویب و توصیه ایشان خواست آن را به چاپ برسانیم، اما این نوشته به‌نظرم هنوز خام می‌آمد و چون در باره قرآن بود، احتیاط می‌کردم کاری از یک جوان مبتدی در این زمینه منتشر گردد. اما دکتر سخنی از قول پدرش استاد گفت که امروز از آن برای دیدگاه خودش درباره قرآن استفاده می‌کنم؛ این که هر کسی با دید و تجربه و تخصص خودش ممکن است نکته‌ای را در قرآن بیابد که تازگی داشته باشد.

خود استاد برداشت‌های قرآنی نویی داشت؛ تازگی «تفسیر نوین» و تفاوتش با تفسیرهای سنتی حوزه، در نگاه اجتماعی و سیاسی استاد محمد تقی شریعتی و توجه ویژه او به جوانان بود که به‌رغم تحصیلات حوزوی، از کسوت روحانیت و ارتزاق از مسجد و محراب فاصله گرفت و به تبیین ایدئولوژی اسلامی و آموزش جدی نسل نو، که در آن ایام در معرض تبلیغات گسترده حزب توده و در خطر بی‌دینی بودند، همت گماشت.

در آن ایام انتشار «تفسیرالمیزان» به همت علامه محمد حسین طباطبائی نیز امید تحولی را برانگیخته بود تا شاید کتاب الهی پس از سالیانی دراز مهجور ماندن در حوزه‌های علمیه، در برنامه‌های آموزشی آن مطرح گردد. تازگی این تفسیر، تسلط مرحوم علامه به فلسفه و کلام و نگاه فلسفی ایشان به قرآن بود که در پیچه‌هایی تازه برای خواننده می‌گشود.

مرحوم سید محمود طالقانی اما نوآوری و نگاهی دیگر داشت؛ سالیانی دراز سیر در سیاست، صبر در حبس و تبعید و آگاهی از آثار استعمار و استبداد، صیوررتی دیگر برای او رقم زد و نظر و نگاهش را به ابعاد مغفول دیگری از قرآن گشود که قرن‌ها برای بیشتر مسلمانان مجهول بود، اگر علامه با طلاب حوزه علمیه قم و روحانیون سر و کار داشت، پایگاه طالقانی مسجد هدایت در خیابان اسلامبول، قلب تهران آن زمان، با مستمعینی از دانشجویان مبارز امثال: چمران‌ها، یزدی‌ها، حنیف نژادها، رجایی‌ها و امثالهم بود که دو طرفه تأثیرات متقابل بر یکدیگر می‌گذاشتند.

تنها تعارض توحید و طاغوت نبود که نگرشی نوین به طالقانی بخشید، برکت سالیانی دراز زندان کشیدن در راه حق و بودن با اساتید و دانشجویان همبند نیز او را، که هوش و استعدادی سرشار داشت، با علوم جدیدی آشنا کرد؛ از طریق دکتر سحابی، با تکامل و زمین‌شناسی، با مهندس بازرگان، فیزیک و علوم دقیقه، با دکتر سامی، روان‌شناسی و تغذیه و با دیگران نیز در پیچه‌هایی دیگر که همگی به کار تفسیرش آمد. اطلاعات طالقانی در مورد کیهان‌شناسی کمتر از دانشجویان زرنگ این رشته نبود؛ او در زندان نه تنها کتاب‌های ژرژ گاموف، بلکه مهم‌ترین ترجمه‌های علمی آن زمان در این زمینه را خوانده بود. از این روی تفسیر «پرتوی از قرآن»، به خصوص جزء ۳۰ آن، نوآوری‌هایی در این موضوعات دارد که قابل مقایسه با هیچیک از تفاسیر موجود نیست.

مفسرین فوق بر خاستگان و برجستگانی از حوزه‌های علمیه و جامعه روحانیت بودند، اما از دانشگاه و اسلام‌نوگرای ناظر به علوم و مقتضیات زمانه نیز قرآن‌شناسانی ظهور کردند که هر چند به تفسیر کلاسیک قرآن به شکل سوره به سوره نپرداختند، اما محور اندیشه و آثار قلمی و عملکردهای قرآن بود. مشخصه دیگر آنان، هجرت از دیار، کسب آخرین علوم روزگار، آشنایی از نزدیک با ملت‌ها، آیین‌ها و پیروان شریعت‌های دیگر و نگاه از بیرون به درون و جستجوی دردها و درمان‌های آن بود.

مهندس مهدی بازرگان که در اولین کاروان صد نفری محصلین اعزامی دولت در زمان رضاشاه برای فراگیری علوم جدید به فرنگ رفته بود، از سرسلسله‌های این جریان به شمار می‌رود که به قول مرحوم سید غلامرضا سعیدی، اسلام‌شناس فارغ‌التحصیل دانشگاه اسلامی علیگره پاکستان و نویسنده و مترجم پرکار آن دوران، همه آثارش منبعث از قرآن بود. نگاهی به نام آثار باقیمانده از آن مرحوم، نگرش نو در قرآن‌شناسی و مسائل اجتماعی را آشکار می‌سازد: عشق و پرستش یا ترمودینامیک انسان، ذره بی انتها، بی‌نهایت کوچک‌ها، پدیده‌های

جوئی، باد و باران در قرآن، بررسی نظریه اریک فروم، علمی بودن مارکسیسم، انقلاب کوبا، آزادی هند، مذهب در اروپا و قریب ۳۰۰ نوشته در این زمینه‌ها.

و اما درباره دکتر علی شریعتی و نگاه تازه و مبتکرانه او به قرآن؛ به گمانم سال ۱۳۳۸ بود که استاد محمد تقی شریعتی علی را که با اخذ رتبه نخست در امتحانات نهایی دوره لیسانس دانشکده ادبیات دانشگاه مشهد بورس اعزام به خارج گرفته بود، به تهران نزد مهندس بازرگان آورد تا با ایشان، که دانش آموخته فرانسه بود، در مورد انتخاب رشته تحصیلی در پاریس مشورت کنند. پاسخ مهندس بازرگان همان رشته‌ای بود که سرانجام دکتر شریعتی انتخاب کرد. استدلال ایشان بر این مبنای بود که علم جدید جامعه‌شناسی در دانشگاه‌های غرب عمدتاً در تخصص و تسلط مارکسیست‌هاست و در میان روشنفکران دینی ایران هیچکس در این زمینه تبحری ندارد و ما سخت نیازمند صاحب نظری در این زمینه‌ها هستیم.

علی شریعتی علاوه بر جامعه‌شناسی، مبانی علم تاریخ و دین‌شناسی تطبیقی را نیز در پاریس، مهد روشنفکری آن زمان، آموخت و در مکتب جامعه‌شناسان بزرگی چون لویی ماسینیون، ژرژ گوروچ و ژان پل سارتر درس‌هایی فرا گرفت و نگرشی تازه یافت که در آثار فکری و عملی بعدی او تأثیری عمیق گذاشت، از جمله در نگاهش به قرآن که به راهنمایی پدرش استاد محمد تقی شریعتی در «کانون نشر حقایق اسلامی» مشهد، که کانونی برای بازگشت به قرآن بود، شالوده زیر بنای آن را قبل از سفر به خارج ریخته بود.

شهرت دکتر شریعتی عمدتاً در اسلام‌شناسی سیاسی ایدئولوژیک، قلم شگفت‌آور، سخنرانی‌های سحرآمیز و سهم او در معلمی انقلاب است و کمتر کسی به نقش بسیار مهم او در کشف ظرافتی از قرآن، که تنها با عینک جامعه‌شناسی مقدور بود، و نقش او در آشنا کردن نسل جوان با فرهنگ و مفاهیم قرآنی آشنایی دارد؛ معاصرین دکتر شریعتی به‌خوبی می‌دانند پیش از او واژه‌هایی مثل: مستکبر، مستضعف، مترف، طاغوت، قسط، فلق، ناس و امثالهم برای جوانان غریبه بود و کمتر کسی از پیام‌های عمیق جامعه‌شناسانه داستان‌های: هابیل و قابیل، فرعون و قارون و هامان، بلعم باعورا، آدم و حوا، حج و هاجر، ابراهیم و اسماعیل و... آگاهی داشت، تفسیر سوره روم شریعتی تحت عنوان پیامی به روشنفکر مسئول، برداشتی از سوره‌های: ماعون، تبت، ناس، فلق و سوره‌ها و آیاتی دیگر کاملاً تازه و آموزنده بود.

اگر دکتر یدالله سبحانی به عنوان متخصصی در علوم طبیعی، با نوشتن کتاب «قرآن مجید، تکامل و خلقت انسان» و کتب دیگر در این زمینه، برای نخستین بار فکر کاملاً بدیعی را در جهان اسلام درباره مبداء پیدایش انسان و پیوستگی او به سلسله تکامل موجودات زنده مطرح ساخت، دکتر شریعتی از بعد «انسان‌شناسی» و دید عارفانه و شاعرانه خود، برای نخستین بار فاصله «لجن تا روح خدا» را در صیوریت انسان از «حَمَامِ مَسْئُون» (گِل بدبوی مانده)، یعنی منشاء مادی حیات انسان در کره زمین، تا «نفخه روح الهی» در استعداد آدمی را مطرح ساخت و فاصله خاک تا افلاک را عارفانه به تصویر کشید.

شریعتی داستان «هابیل و قابیل» را نه به عنوان قصه‌ای از دو پسر آدم، که به دنبال کشف همسرشان بگردیم! بلکه به عنوان نماد و سرآغاز دو جریان تاریخی خیر و شر و دو راه متناقضی که فرزندان آدم طی کرده و می‌کنند معرفی کرد؛ دو راهی که یکی به خشونت و خون و خرابی و خسران می‌انجامد، و دیگری به الفت و ایثار و آبادی و ایمان. او با تخصصی که در تاریخ داشت، راه‌های طی شده این دو جریان و سنت الهی یا فلسفه تاریخ را در بستر جوامع مختلف به ما نشان داد.

شریعتی بود که گفت: قرآن با نام خدا آغاز و با نام «ناس» ختم می‌شود! اگر با نام خدایش آغاز کرده‌ای، با خدمت به خلقش به پایان رسان. او با هوشمندی تمام سه جریان تاریخی: «اربابان قدرت»، «مالکان ثروت» و «معبودان ضلالت» را در بستر تاریخ معرفی کرد تا از شر آنها به پناهگاه‌های سه گانه معرفی شده در سوره «ناس»: رَبِّ النَّاسِ، مَلِكِ النَّاسِ، إِلَهِ النَّاسِ پناهنده شویم. او با ذوق ادبی سرشار خویش این مثلث را، برای آنکه به روشنی تبیین گردد، با تعبیر دیگری نیز به کار برد: زور و زر و تزویر، ملک و مالک و ملأ، هامان و قارون و فرعون، تیغ و طلا و تسبیح. شریعتی سرنخ این مثلث را در تحولات جامعه اسلامی دوران امام علی نیز دنبال کرد: قاسطین، ناکثین، مارقین و پس از آن در: استعمار و استثمار و استعمار.

شریعتی با عبور از معنای ظاهری و تدبّر در باطن آیات، مفاهیم کلیدی قرآن را به سادگی برای جوانان تبیین نمود، از جمله در تفسیر سوره «ماعون» نشان داد سراغ «تکذیب کنندگان دین» را نیز باید در کسانی گرفت که اتفاقاً نماز هم می‌خوانند! اما یتیم را از خود می‌رانند و انگیزه‌ای برای سیر کردن شکم گرسنگان ندارند. چرا که نماز آنها با کسالت و تنها برای ریاکاری است و مردم را از حقوق اجتماعی‌شان مانع می‌گردند.

شریعتی علاوه بر کنجاوی در نام سوره‌ها و دقت موشکافانه در تقسیم بندی موضوعی عنوان سوره‌های قرآن، همچنین پیام‌های کلی یا زیر مجموعه سوره‌ها و نیز آیات کلیدی آنها، واژه‌های قرآنی را نیز مورد ریشه‌یابی کارشناسانه قرار داد و معانی بسیار عمیقی از آنها

استخراج کرد. نمونه‌ای از این واژه‌ها «عبادت» است که با تعمق در مفهوم ریشه‌ای این واژه دریافت که عبادت همان هموار کردن راه دل برای مرکب یار است؛ به سخن حافظ در معنای مجازی آن:

آب زنید راه را هین که نگار می‌رسد مژده دهید باغ را هین که بهار می‌رسد

اما به نظر این قلم، مهم‌ترین اثر شریعتی در قرآن‌شناسی، نوشته بی‌نظیر «حج» اوست که برای روشنفکران همچون رساله عملیه برای دینداران سنتی مذهبی در سفر حج است و گام به گام مناسک را در پرتو روشنگری‌های آن طی می‌کنند. قرآن همه مناسک حج را «شعائر الله» نامیده است، شعائر از ریشه شعر (موی)، دلالت بر ظرافت و نازک بینی می‌کند، در کلمات: شاعر، شاعر، شعور و شعار، به نوعی دقت نظر و نازک بینی و نمادین بودن موضوع نهفته است. از این روی تمام مناسک حج نمادین است و جنبه سمبلیک دارد.

شریعتی این نمادها را از طواف گرفته تا سعی صفا و مروه و رمی جمرات و قربانی با قلم سحر آمیز خود باز کرد و به زیباترین وجه از آسمان به زمین و از تعبّد تقلیدی به تعقل و تفکر در زندگی روزانه آورد؛ او در حج نیز همان مثلث معروف ربّ الناس، مَلِكِ النَّاسِ، إِلَهِ النَّاسِ را در سه گام «عرفات» (عرفان)، «مشعر» (شعور) و «مُنَى» (عشق در قربانی) دید و به دیگران نشان داد.

خاطره کوچکی از ذوق و نکاوت شریعتی در فهم قرآن خالی از فایده نیست؛ حدود سال ۱۳۴۴ بود که جداول و منحنی‌های کتاب سیر تحول قرآن را که مرحوم پدر از زندان برای سخنرانی در روز مبعث در زندان قصر تهیه و به بیرون فرستاده بودند، به دکتر شریعتی نشان و برای او شرح دادم. فهم آن جداول ذهن و ذوق ریاضی می‌خواست و گمان نمی‌کردم کسی که ادبیات خوانده چیز زیادی از آنها دستگیرش شود، اما بعدها فهمیدم نه تنها پیام اصلی آن تحقیقات را بیشتر از خود من گرفته بود، بلکه گزارشی که از این کار برای دانشجویانش داد، و بعدها در نامه مفصلی از مشهد برای این قلم فرستاد، در این نیم قرن و اندی، هیچکس تا کنون کتاب سیر تحول قرآن را همچون شریعتی وصف نکرده است.

مجموعه اظهار نظرهای دکتر شریعتی در این زمینه در کتابی تحت عنوان «کاربرد آیات قرآن در اندیشه دکتر شریعتی» به همت امیر رضایی از ۳۵ جلد مجموعه آثار او استخراج شده است. این نوشته گرانسنگ نشان می‌دهد که دکتر شریعتی از ۱۱۴ سوره قرآن دستکم درباره آیاتی از ۹۴ سوره سخن گفته است!

در قرآن آمده است: «آهایی که دانش داده شده‌اند، (به چشم بصیرت) می‌بینند که آنچه از جانب پرودگارت بر تو نازل شده حق است و مردم را به راه سربلندی و ستودگی رهبری می‌کنند».^(۱)

بی‌شک شریعتی از کسانی بود که به برکت دانشی که به توفیق الهی فرا گرفت، آن حقایق را به وضوح دید و برای نشان دادنش به دیگران عمر خود، و سرانجام جانش را فدا کرد.

این از سخنان حکمت‌آموز امام علی^(ع) است که: «این قرآن را (با طرح سوالات خود) به زبان آورید و (گرچه بدون پرسش) هرگز سخن نمی‌گوید. لیک من شما را از (گنجینه نهفته در) آن آگاه می‌کنم؛ هان بدانید که علم آنچه در پیش است (عوالم آخرت و رستاخیز) و سخن تازه از گذشته (تاریخ)، درمان دردهای (اخلاقی فردی و اجتماعی) شما و نظم (نحوه سامان دادن) امورتان در آن است».^(۲)

شریعتی از اولین کسانی بود که با عینک جامعه‌شناسی و تاریخ و دستاوردهای دنیای مدرن به قرآن نگاه کرد و سوالاتی را با قرآن مطرح کرد. نه همه برداشت‌هایش درست بود و نه خود هرگز چنین انتظار و ادعایی داشت، اما هیچکس نمی‌تواند دریچه‌های تازه و تحول آفرینی را که او با سوالات تازه‌اش برای فهم بهتر قرآن گشود نادیده بگیرد.

خداوند او را با انبیاء و صدیقین و شهداء و صالحین محشور کند که در راه و رفیق آنان بود:

وَمَنْ يُطِعِ اللَّهَ وَالرَّسُولَ فَأُولَئِكَ مَعَ الَّذِينَ أَنْعَمَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ مِنَ النَّبِيِّينَ وَالصِّدِّيقِينَ وَالشُّهَدَاءِ وَالصَّالِحِينَ وَحَسُنَ أُولَئِكَ رَفِيقًا (نساء ۶۹)

عبدالعلی بازرگان

خرداد ۱۳۹۶

۱- وَبَرَى الَّذِينَ أَوْثُوا الْعِلْمَ الَّذِي أُنزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ هُوَ الْحَقُّ وَيَهْدِي إِلَى صِرَاطٍ الْعَزِيزِ الْحَمِيدِ (سبا ۶)

۲- ذَلِكَ الْقُرْآنُ فَاسْتَنْطِقُوهُ وَ لَنْ يُطِيقَ، وَلَكِنْ أَخْبَرَكُمْ عَنْهُ: أَلَا إِنَّ فِيهِ عِلْمًا مَا يَأْتِي وَالْحَدِيثُ عَنِ الْمَاضِي، وَ دَوَاءٌ دَائِكُمْ، وَ نَظْمٌ مَا بَيْنَكُمْ (نهج البلاغه خطبه